موضوع پژوهش (1)

مبارزات سياسى و اجتماعى امام سجاد (ع) در يك نگاه

عليرضا انصارى

پژوهش دقيق و موشكافانه درباره زندگى سياسى و اجتماعى حضرت سجاد (ع) اهميت ويژه‏اى دارد، زيرا عدم تحقيق روش‏مند در اين‏باره موجب شده است كه پرسش‏ها و شبهات متعددى درباره زندگى آن امام همام به وجود آيد. برخى بر اين باورند كه امام سجاد (ع)، فقط به امور شخصى و عبادى خود مى‏پرداخته و در برابر مسائل سياسى جهان اسلام بى‏تفاوت بوده است؛(1) در حالى كه وى نه تنها در برابر سرنوشت مسلمانان بى‏تفاوت نبود، بلكه با حاكمان ظالم عصر خود نيز مبارزه مى‏كرد و صداى حق‏طلبى خود را به گوش ديگران مى‏رساند. حتى عبادت و مناجات وى نيز رنگ و بوى سياسى داشت و نوعى مبارزه تلقّى مى‏شد.

قبل از بيان روش‏هاى مبارزاتى امام سجاد (ع)، بيان دو مطلب ضرورى است:

1 - آن‏چه از منظر امامان محوريت دارد حاكميت دين خداست. آنان براى تحقق اين هدف، بسته به شرايط زمان، از ابزارهاى صلح يا قيام و يا فعاليت‏هاى فرهنگى بهره مى‏بردند؛ مانند عصر امام صادق (ع) كه فعاليت‏هاى فرهنگى بهترين راه مبارزه با حكومت جور بود.

2 - در طول مدت امامت امام سجاد (ع) زمينه و شرايط قيام مسلحانه فراهم نشد، زيرا بعد از شهادت امام حسين (ع) رعب و وحشت، جهان اسلام را فرا گرفته بود و مردم باور كرده بودند كه قيام عليه يزيد راه حل منطقى نيست. شكست مردم مدينه در «فاجعه حرّه» و شكست مردم مكه در قيام عليه يزيد نشان داد كه هرگونه مبارزه مسلحانه بر ضد يزيد محكوم به شكست است. بنابر اين اگر امام زين العابدين (ع) در اين شرايط قصد قيام مى‏كرد، از وى حمايت نمى‏كردند.

مسعودى مى‏نويسد: «على بن حسين، امامت را به صورت مخفى و با تقيّه شديد و در زمانى دشوار عهده‏دار گرديد»(2). بيشترين دوران امامت امام سجاد (ع) مصادف با خلافت عبدالملك بن مروان بود كه مدت 21 سال طول كشيد.(3) در اين مدت نيز شرايط قيام مسلحانه براى امام فراهم نشد، چرا كه عبدالملك با سياست‏هاى ظالمانه و گماردن حاكمان جابر در مناطق اسلامى، فضاى ترس‏ناك و اختناق آلودى به وجود آورده بود.

هشام بن اسماعيل كه حاكم مدينه بود، چندان بر مردم سخت گرفت و آن‏چنان خاندان پيامبر و شيعيان را آزار داد كه وقتى وليد بعد از مرگ پدرش به حكومت رسيد، ناچارشد او را از كار بركنار كند.(4)

تمام اين شرايط و موقعيت‏ها دست به دست هم داده بودند تا زمينه براى قيام امام سجاد (ع) فراهم نگردد و آن حضرت روش‏هاى ديگرى را براى پيش بردن اهداف اسلام به كار گيرد.

روش‏هاى مبارزاتى امام‏

1) زنده نگه‏داشتن ياد و خاطره عاشورا

از سياست‏هاى امام سجاد (ع)، احياى نهضت عاشورا بود. وى از هر فرصتى بهره مى‏گرفت و شيعيان را نيز به اين امر سفارش مى‏كرد، زيرا نهضت عاشورا رسوايى امويان را در پى داشت. شهيد مطهرى مى‏نويسد: براى على بن الحسين (ع) نه فرصت پدر بزرگوارش ابا عبد الله (ع) پيدا شد كه قيام كند و نه فرصتى نظير فرصت امام صادق (ع) پديد آمد كه به فعاليت فرهنگى روى آورد. اما براى كسى كه مى‏خواهد خدمت كند همه مواقع، فرصت است ولى شكل آنها فرق مى‏كند.(5)

آن حضرت براى زنده نگه داشتن ياد عاشورا از ابزارهاى زير استفاده كرد:

1 - 1) گريه بر امام حسين (ع)

گرچه گريه فرزند در مرگ پدر، طبيعى است، اما گريه امام سجاد (ع) رنگ و بوى سياسى - الهى نيز داشت. او با گريه‏هاى بسيار خود افكار عمومى را متوجه جنايات امويان و مظلوميت پدرش مى‏نمود.

گفته شده است آن حضرت به حدى در عزاى پدرش گريست كه او را يكى از بسيار گريه كنندگان پنج گانه تاريخ لقب دادند.(6)

وقتى راز گريه‏هاى بسيار او را مى‏پرسيدند، مصايب جان‏گداز كربلا را بازگو مى‏كرد و مى‏فرمود: «مرا ملامت نكنيد، همانا يعقوب پس از آن‏كه فرزندش را از دست داد آن قدر گريه كرد تا از غصه، چشم‏هايش سفيد شد، در حالى كه يقين به مرگ فرزندش نداشت و حال آن‏كه من به چشم خود ديدم در يك نيم روز، چهارده نفر از اهل بيت ما را سر بريدند؛ توقع داريد داغ آنها از دلم بيرون برود.»(7)

از فراق روى يك يوسف اگر يعقوب سوخت‏

هجر هفتاد و دو يوسف كرده خونين دل مرا

امام سجاد (ع) نه تنها در سوگ پدرش گريه مى‏كرد كه ديگران را نيز به آن ترغيب مى‏نمود: «هر كس بر شهادت حسين (ع) با معرفت گريه كند خداوند براى او غرفه‏هايى در بهشت آماده مى‏سازد كه تا ابد در آن اقامت خواهد گزيد.»(8)

2 - 1) يادآورى حادثه عاشورا

امام سجاد (ع) همواره از فرصت‏ها استفاده مى‏كرد و حادثه عاشورا را يادآورى مى‏نمود تا از يادها نرود. نقل است كه هر گاه بر سر سفره مى‏نشست اشك مى‏ريخت و مى‏فرمود: پسر پيغمبر، گرسنه و تشنه شهيد شد.

3 - 1) سفارش به زيارت امام حسين (ع)

يكى ديگر از ابزارهاى آن حضرت براى زنده نگه داشتن حادثه عاشورا، سفارش به زيارت امام حسين (ع) بود. ابوحمزه ثمالى مى‏گويد: از امام سجاد (ع) درباره زيارت امام حسين (ع) پرسيدم، فرمود: هر روز حضرت را زيارت كن، اگر نمى‏توانى هفته‏اى يك‏بار، اگر نمى‏توانى ماهى يك‏بار. پس كسى كه اصلاً حضرت را زيارت نكند در حقيقت حريم رسول خدا (ص) را سبك شمرده است.(9) امام سجاد (ع) خود مخفيانه چند بار به زيارت ابا عبد الله (ع) رفت.(10)

4 - 1) سجده بر تربت امام حسين (ع)

آن حضرت براى حفظ ياد و خاطره عاشورا به شيعيان توصيه اكيد مى‏فرمود كه بر تربت امام حسين (ع) سجده كنند، زيرا سجده بر خاك آن امام همام يادآور آزادگى، عشق به خدا و فداكارى در راه دين است. امام سجاد (ع) پيوسته مقدارى از تربت امام حسين (ع) را با خود داشت و بر آن سجده مى‏كرد.(11)

5 - 1) سخن‏رانى‏

يكى ديگر از شيوه‏هاى امام سجاد (ع)، استفاده از سخن‏رانى بود. امام در شهرهاى كوفه، شام و مدينه خطبه مى‏خواند و جاى‏گاه و مظلوميت امام حسين (ع) و جنايات و ماهيت امويان را بيان مى‏كرد. در حقيقت، امام سجاد (ع) با اين كار بعد دوم نهضت عاشورا يعنى پيام‏رسانى را به نمايش گذاشت و قيام امام حسين (ع) را تكميل كرد.

تأثير خطبه‏هاى امام سجاد (ع) و حضرت زينب (س) در ثمردهى نهضت عاشورا كمتر از خون شهدا نبود. آن حضرت خطاب به مردم كوفه فرمود: «... من پسر آن كسى هستم كه سر او را در كنار نهر فرات سر بريدند، در حالى كه نه به كسى ظلم كرده بود و نه با كسى مكرى به كار برده بود. من پسر آن كسى هستم كه سر او را از قفا بريدند... مردم! شما به پدرم نامه ننوشتيد و با او بيعت نكرديد و به او خيانت نكرديد!؟... اگر رسول خدا (ص) به شما بگويد: فرزندان مرا كشتيد و حرمت مرا در هم شكستيد، شما از امت من نيستيد، با چه رويى به او خواهيد نگريست... .»(12)

اين سخنان كوتاه و جان‏گداز در آن محيط خفقان و ارعاب، طوفانى به پا ساخت و چنان در عمق روح و جان مردم كوفه نفوذ كرد كه ناگهان از هر سو بانگ شيون برخاست.(13) خطبه امام سجاد (ع) در شام نيز تأثير فراوانى داشت. مرحوم آيتى مى‏نويسد: «.. امام چهارم پا به منبر گذاشت و چنان سخن گفت كه دل‏ها از جا كنده شد و اشك‏ها فرو ريخت و شيون از ميان مردم برخاست.»(14)

2) هدايت و رشد سياسى مردم‏

يكى از شيوه‏هاى مبارزاتى امام عليه حاكمان اموى، ارشاد و هدايت مردم از طريق موعظه بود. اين امر هم براى آشنايى مردم با آموزه‏هاى دينى و هم براى رشد سياسى آنان انجام مى‏شد. بررسى نصايح و موعظه‏ها نشان مى‏دهد كه امام با روشى حكيمانه و كاربردى اين كار را انجام مى‏داد و اين بهترين شكل انتقال فرهنگ اسلامى در آن شرايط بود، زيرا اين مباحث در عين اين‏كه بر ضد حكومت بود، حساسيت حاكمان را بر نمى‏انگيخت.

3) مبارزه با عالمان دربارى‏

حاكمان ستم‏گر اموى براى مشروع جلوه دادن حكومت خويش به پشتوانه دينى و اعتقادى نياز داشتند و براى اين كار از شيوه‏هايى استفاده مى‏كردند. يكى از اين شيوه‏ها، جذب محدّثان و عالمان دربارى بود تا احاديثى از پيامبر (ص) به نفع حكومت جعل كنند و بدين وسيله زمينه فكرى پذيرش حكومت آنان در جامعه فراهم شود.

محمد بن مسلم زهرى، نمونه‏اى از اين عالمان بود كه خود را به طور كامل در اختيار حكومت اموى قرار داده بود و به نفع آنان كتاب مى‏نوشت و حديث جعل مى‏كرد.(15)

امام سجاد (ع) خطر جدى اين عالمان را درك كرده بود، لذا با شيوه‏هاى مختلف به مبارزه با آنان برخاست. حضرت در ابتدا با «زهرى» برخوردى نصيحت‏گرانه و غير مستقيم داشت تا وى را از اين كار ناشايست باز دارد. در يك روز كه «زهرى» همراه امام سجاد (ع) بود، حضرت دست به دعا و مناجات برداشت و غير مستقيم به وى فهماند: اى نفس! تا كى به دنيا دل مى‏بندى و تكيه‏ات را آبادانى آن قرار مى‏دهى.(16)

امام با اين اندرزها سعى داشت وى را متوجه خطاهايش كند. سرانجام در نامه‏اى تند او را به شدت سرزنش كرد: «خدا ما و تو را از فتنه‏ها نگه دارد و بر تو نسبت به آتش جهنم ترحّم كند... خداوند در كتاب خود از عالمان عهد گرفته كه حجّت‏ها را براى مردم، آشكار بيان كنند و آنها را كتمان نكنند.(17) بدان كمترين چيزى كه كتمان كرده و سبك‏ترين بارى كه برداشته‏اى، اين است كه وحشت ستم‏گران را به انس تبديل كرده‏اى و با نزديك شدن به آنان و اجابت دعوتشان، راه ستم‏گرى را براى ايشان هموار كرده‏اى، چه قدر مى‏ترسم كه فردا قرين گناهت گردى و هم‏نشين خائنان شوى و از آن‏چه براى كمك بر ظلم ظالمان گرفته‏اى و اموال ناحق از عطاياى آنان كسب كرده‏اى، سؤال شوى.»(18)

4) مبارزه در قالب دعا

يكى از ويژگى‏هاى برجسته امام سجاد (ع)، عبادت است. اين ويژگى آن‏چنان در زندگى وى بارز بود كه به وى لقب‏هاى «زين العابدين» و «سيد الساجدين» داده‏اند.(19)

از آن‏جا كه در عصر امام سجاد (ع) شرايط اختناق حاكم بود، بسيارى از اهداف و مقاصد خود را در قالب دعا و مناجات بيان كرد. اين عمل در پاسدارى از اسلام و پايه‏گذارى فقه شيعى بسيار مؤثر بود، به گونه‏اى كه امروزه يكى از منابع غنى معارف اسلامى را دعاها، مناجات‏ها و عبادت‏هاى آن حضرت تشكيل مى‏دهد.

مجموع دعاهاى امام سجاد (ع) به نام «صحيفه سجاديه» معروف است كه پس از قرآن مجيد و نهج البلاغه، بزرگ‏ترين و مهم‏ترين گنجينه گران‏سنگ حقايق و معارف الهى به شمار مى‏رود به طورى‏كه از آن به «اُخت القرآن»، «انجيل اهل بيت» و «زبور آل محمد» ياد مى‏شود. اين كتاب، علاوه بر راز و نيازها و دعاها، به مسائلى چون «امامت» و رهبرى جامعه اسلامى نيز پرداخته است. براى بصيرت بيشتر، به يك نمونه اشاره مى‏شود:

در دعايى كه آن حضرت در روز عيد قربان و روز جمعه خوانده، آمده است: «... خدايا! اين مقام (خلافت و رهبرى) مخصوص جانشينان و برگزيدگان توست ولى ستم‏گران آن را به زور غصب كردند تا كه برگزيدگان و خلفاى تو مغلوب گشتند. خدايا! دشمنان بندگان برگزيده‏ات را از اولين و آخرين و هم‏چنين پيروانشان و همه كسانى را كه به كارهاى آنان راضى هستند، لعنت كن و از رحمت خود دور ساز.»(20)

امام (ع) در اين دعا، با صراحت از امامت و رهبرى جامعه اسلامى ياد مى‏كند كه اختصاص به خاندان پيامبر دارد اما از سوى ستم‏گران غصب شده است.

5) تربيت نيروهاى صالح‏

امام سجاد (ع) براى مبارزه با حاكمان زور و تزوير به نيروهاى تربيت يافته و سازماندهى شده احتياج داشت تا بتوانند هم در زمان امامت آن حضرت و هم بعد از شهادت او عليه حكومت‏هاى عصر خود مبارزه كنند. بياناتى كه از امام (ع) نقل شده، در واقع دستورالعمل‏هاى تشكيلاتى او به يارانش بوده است. ابو حمزه ثمالى نقل مى‏كند كه آن حضرت طى سخنانى فرمود: «خداوند، ما و شما را از مكر ستم‏گران و ظلم حسودان و زورگويى جباران حفظ كند. اى مؤمنان! شما را طاغوت‏ها و طاغوتيان دنياطلب كه دل به دنيا سپرده و شيفته آن شده‏اند... نفريبند... به جانم سوگند، در ايام گذشته حوادثى را پشت سر گذاشتيد و از انبوه فتنه‏ها به سلامت گذشتيد، در حالى كه پيوسته از گمراهان و بدعت‏گذاران در زمين دورى و تبرى مى‏جستيد. پس اكنون نيز از خدا يارى بخواهيد و به سوى فرمانبرى از خدا و اطاعت از ولىّ خدا برگرديد كه از حاكمان كنونى شايسته‏ترند... و از همكارى با ستم‏گران و از فتنه‏هاى آنان بر حذر باشيد.»(21)

امام زين العابدين (ع) در مدت 34 سال امامت خود افراد فراوانى را تربيت كرد كه در رأس آنان، فرزندش امام باقر (ع) بود كه وظيفه امامت بعد از آن بزرگوار را بر عهده گرفت و فقه شيعه را پايه‏ريزى كرد.

يحيى بن امّ الطّويل يكى از تربيت يافتگان و حواريون امام سجاد (ع) بود.(22) او در كُناسه(23) كوفه مى‏ايستاد و با صداى بلند مى‏گفت: «ما از آن‏چه مى‏شنويم بيزاريم. هر كس على را سبّ كند لعنت خدا بر او باد. ما از آل مروان و معبودهايى كه غير از خدا گرفته‏اند، بيزاريم.»(24)

ناگفته پيداست كه اين‏گونه موضع‏گيرى صريح در آن شرايط، تنها از معدود افراد جان بر كفى همچون «يحيى بن امّ الطّويل» بر مى‏آمد كه خود را براى عواقب آن نيز آماده كرده بود.

6) آزادى بردگان‏

امام سجاد (ع) به موالى و بردگان عنايت ويژه‏اى داشت. وى بردگان و كنيزان بسيارى را مى‏خريد اما آنان را بيش از يك‏سال نگه نمى‏داشت و به بهانه‏هاى مختلف آزاد مى‏كرد. هم‏چنين امام (ع) بردگان سياه را مى‏خريد و در مراسم حج به عرفات مى‏برد و آزاد مى‏نمود.(25)

على بن طاووس مى‏نويسد: «على بن حسين (ع) شب آخر ماه رمضان بيست نفر برده را آزاد كرد».(26) رفتار منطقى و محبت‏آميز امام (ع) با بردگان به گونه‏اى بود كه وقتى آنها از اين موضوع مطلع مى‏شدند، خود را از قيد بندگىِ اعيان و اشراف رها ساخته به خدمت آن حضرت در مى‏آمدند تا آزاد شوند.(27)

امام سجاد (ع) با آزادى بردگان، علاوه بر خدمت به آنان، سياست‏ها و ظلم‏هاى حاكمان اموى را زير سؤال مى‏برد. از سوى ديگر، امام با آزاد كردن بردگانى كه با وى ارتباط عاطفى و معنوى داشتند، در صدد تشكيل سپاه بود. آن بزرگوار به اين طريق عده‏اى زيادى طرف‏دار و ياور براى جبهه حق فراهم آورد و سپاه عظيمى را تشكيل داد.(28)

شواهدى وجود دارد كه نشان مى‏دهد اين بردگان وقتى مى‏ديدند به علويان ستم شده است، از آنان حمايت مى‏كردند.(29)

7) دست‏گيرى از درماندگان‏

يكى از ابعاد زندگانى امام سجاد (ع)، خدمات اجتماعى آن حضرت بود كه در قالب‏هاى گوناگون از جمله كمك به محرومان و بازماندگان خانواده‏هاى فاجعه حرّه صورت مى‏گرفت. آن بزرگوار هزينه زندگى صد خانواده تهى‏دست از مردم مدينه را عهده‏دار بود.(30)

روزى امام زين العابدين (ع) به ديدن محمد بن اسامه رفت. وى در بستر مرگ بود و گريه مى‏كرد. فرمود: چرا گريه مى‏كنى؟ گفت: پانزده هزار دينار وام به گردن دارم و نمى‏توانم آن را بپردازم. حضرت فرمود: گريه نكن، وام تو بر عهده من است.(31)

هم‏چنين ايشان به طور ناشناس و شبانه انبان نان و مواد غذايى را شخصاً به دوش مى‏كشيد و به خانه فقرا مى‏برد و مى‏فرمود: صدقه پنهانى، آتش خشم خدا را خاموش مى‏كند.(32)

كمك‏هاى امام (ع) به درماندگان و فقرا، علاوه بر اين‏كه نوعى خدمت رسانى محسوب مى‏شد، سياست‏هاى حاكمان اموى را نيز زير سؤال مى‏برد، زيرا آنان بودند كه مردم مدينه را قتل عام نمودند و به بازماندگان آنها ظلم كردند.

از سوى ديگر، حاكمان اموى به محرومان جامعه بى‏تفاوت بودند و حضرت از اين طريق، به يكى از سنّت‏هاى ارزش‏مند پيامبر (ص) جامه عمل مى‏پوشاند. مضافاً اين‏كه وى در صدد جذب دل‏هاى مردم به اهل بيت پيامبر (ص) بود. آن بزرگوار افراد بسيارى را از اين طريق به سوى حق هدايت كرد و به آنان فهماند كه اهل بيت (ع)، شايسته زعامت و رهبرى جامعه هستند.

محورهاى پژوهش:

لطفاً فقط يكى از محورهاى زير را انتخاب كرده و درباره آن مقاله بنويسيد.

1 . جاى‏گاه عبادت در سيره و گفتار امام سجاد (ع).

2 . فعاليت‏هاى فرهنگى و اجتماعى امام سجاد (ع) بعد از حادثه عاشورا.

3 . روش مبارزه امام با افكار و انديشه‏هاى انحرافى عالمان دربارى.

4 . مواضع امام سجاد (ع) در قبال قيام مردم مدينه، قيام توّابين و قيام مختار.

منابع پژوهش:

1 . مرتضى مطهرى، سيرى در سيره ائمه اطهار (ع).

2 . مهدى پيشوايى، سيره پيشوايان.

3 . سيدجعفر شهيدى، زندگانى على بن الحسين (ع).

4 . رسول جعفريان، حيات فكرى و سياسى امامان شيعه.

5 . شريف قريشى، حياة الامام زين العابدين (ع).

6 . عبدالرزاق موسوى مقرم، الامام زين العابدين (ع).

7 . آيت الله خامنه‏اى، پژوهشى در زندگى امام سجاد (ع).

8 . هاشم معروف حسنى، زندگى دوازدهم، ترجمه محمد درخشنده.

9 . محسن رنجبر، نقش امام سجاد (ع) در رهبرى شيعه.

10 . على‏اكبر حسنى، امام چهارم (ع) پاسدار انقلاب خونين.

11 . احمد ترابى، امام سجاد (ع) جمال نيايشگران.

12 . على‏پناه اشتهاردى، تاريخ زندگانى على بن الحسين (ع).

13 . رسول جعفريان، تاريخ سياسى اسلام، ج 2.

14 . مؤسسه در راه حق، پيشواى چهارم حضرت امام سجاد (ع).

15 . سيدجعفر شهيدى، چراغ روشن در دنياى تاريك.

16 . محمود حسينى، رساله حقوق امام سجاد (ع).

17 . محمدرضا حسينى‏جلالى، جهاد امام سجاد (ع)، ترجمه موسى دانش.

پي نوشت ها:

1) ابن سعد كاتب واقدى، الطبقات الكبرى، ج 5، ص 166.

2) اثبات الوصية، ص 167.

3) مهدى پيشوايى، سيره پيشوايان، ص 241.

4) تاريخ يعقوبى، ج 3، ص 27.

5) برگرفته از: مجموعه آثار، ج 18، ص 34.

6) خصال شيخ صدوق، ص 272. ديگر بسيار گريه كنندگان عبارت‏اند از: آدم، نوح، يعقوب (عليهم السلام) و حضرت فاطمه زهرا (س).

7) امالى صدوق، ص 121.

8) ثواب الاعمال، ص 83.

9) عبدالرزاق موسوى مقرم، الامام زين العابدين (ع)، ص 42.

10) كامل الزيارات، ص 221.

11) بحارالانوار، ج 46، ص 79.

12) سيدجعفر شهيدى، زندگانى على بن الحسين (ع)، ص 57 - 56.

13) همان.

14) بررسى تاريخ عاشورا، ص 232.

15) تاريخ يعقوبى، ج 2، ص 261؛ شرح ابن ابى الحديد، ج 4، ص 63.

16) البدايه و النهايه، ج 9، ص 128.

17) آل عمران (3) آيه 187.

18) تحف العقول، ص 313.

19) سيدجعفر شهيدى، زندگانى على بن الحسين (ع)، ص 7.

20) مهدى پيشوايى، سيره پيشوايان، ص 275.

21) تحف العقول، ص 290 - 288.

22) شيخ‏مفيد، الاختصاص، ص 61.

23) محل دفن زباله.

24) عبدالله مامقانى، تنقيح المقال، ج 3، ص 312.

25) ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج 1، ص 444.

26) همان.

27) همان، ص 261.

28) محسن رنجبر، نقش امام سجاد (ع) در رهبرى شيعه، ص 207.

29) مرتضى عاملى، دراسات و بحوث فى التاريخ و الاسلام، ص 89.

30) حلية الاولياء، ج 3، ص 136.

31) ارشاد مفيد، ج 2، ص 149.

32) ابن جوزى، تذكرة الخواص، ص 327.